

# کدام قوم بزرگ است؟



## بعد از ظهر روز سبت

**مطالعه این هفته:** تثنیه باب ۴ آیات ۱-۹، متی باب ۱۵ آیات ۱-۹، اعداد باب ۲۵ آیات ۱-۱۵، اول قرنتیان باب ۱۰ آیه ۱۳، تثنیه باب ۴ آیات ۳۲-۳۵، متی باب ۵ آیات ۱۳-۱۶.

**آیه حفظی:** «و کدام قوم بزرگ است که دارای فرایض و قوانین عادلانه ای همچون این شریعت باشد که امروز من در برابر شما می نهم؟» (تثنیه باب ۴ آیه ۸).

سه فصل نخست کتاب تثنیه اساساً درس تاریخ بود و به مردم یادآوری می نمود که تا آن زمان بر آنان چه گذشته است. وقتی به فصل چهارم می رسیدیم، درس تاریخ شکل موعظه به خود می گیرد. بازگو کردن وقایع فقط برای علاقه مندان به تاریخ نبود؛ در عوض هدفی در پشتش نهفته بود که به آنان فیض و قدرت خدا را که میان مردم کار می کرد نشان می داد و با وجود آنکه آنها همه چیز را به هم ریختند، خداوند همچنان می خواست تا عهدهی را که در میان آنان و او بود را گرامی بدارد. فصل چهار با کلمه عبرانی آغاز می شود (حرف ربط وقید)، *we'attah* که می توان به «و حال» یا «اکنون» ترجمه کرد. آنها تاریخ اخیر خود را مرور کرده بودند، یک مروری که به آنان یادآوری می کرد که خدا چه کارهایی انجام داده بود که آنها را بدین نقطه بیاورد- بنابراین، یا «اکنون»، بر آنهاست که آنچه را که خدا می گوید را در پاسخ به عمل بیاورند (همچنین به تثنیه باب ۱۰ آیه ۱۲ رجوع کنید). به خاطر همین است که فعلی که بعد از «اکنون» می آید فعل «*shama*» «شَمَع» می باشد، همان فعلی (و در همان شکل) که در ابتدای دعا به عنوان *Shema* به کار برده شد و به معنای «شنیدن» یا «بشنو» یا «اطاعت کردن» است- فعلی که در تمامی کتاب تثنیه مکرراً گفته شده است. بنابراین فصل اینگونه آغاز می شود: اکنون اسرائیل، بخاطر آنچه من برای شما انجام داده ام، باید از موارد زیر پیروی کنید....

درس این هفته را مطالعه کرده تا برای سبت ۱۵ آبان حاضر شوید.

## به آن اضافه یا از آن کم نکنید

تثنیه باب ۴ آیه ۲ و ۱ را بخوانید. هشدار خاصی که خداوند به آنها در رابطه با «احکام و داوری» خود داده بود چه بود، و چرا این چیزی است که بلافاصله در مورد آنها هشدار داده می شود؟ (به تثنیه باب ۱۲ آیه ۳۲ رجوع شود)

خداوند به آنان می گوید تا از «احکام و داوری» اطاعت کنند و نه بدان چیزی اضافه کنند و نه کم. چرا چنین گفت؟ گذشته از همه اینها، چرا باید کسی بخواهد حکم خدا را عوض کند؟ البته ما پاسخ را می دانیم.

شیطان با تلاش های پیگیر و خستگی ناپذیر در تلاش برای ادامه کاری است که در آسمان آغاز کرده و قانون خدا را تغییر داده است. او موفق شده است که جهان را به نظریه ای که قبل از سقوط در آسمان ارائه کرده بود، مبنی بر اینکه احکام خدا اشتباه است و نیاز به تجدید نظر دارد. بخش بزرگی از کلیسای مسیحی، با نگرش خود، اگر نه با سخنان خود، نشان می دهد که همان اشتباه را پذیرفته اند (الن جی وایت، پیامهای برگزیده، جلد دوم، صفحه ۱۰۷).

وقتی به تاریخ اسرائیل کهن فکر می کنید، می بینید که آنها به هر جهت به دردرس افتادند نه به خاطر اینکه برخی از احکام را نادیده گرفته باشند که برای همه اهداف عملی از احکام برگرفته شده بود، لیکن به آنها افزودند تا شیوه هایی را اعمال کنند که در احکام مشخص نشده بود که در واقع منجر به نقض آن گردیدند.

متی باب ۱۵ آیات ۱-۹ را بخوانید. گرچه شرایط محیطی و تاریخی ایام مسیح با اسرائیل کهن متفاوت بود، از مثال هشدار موسی به بنی اسرائیل چه درسی می توانیم بگیریم؟

وقتی که سرانجام عبرانیان به سرزمینی که وعده داده شده بود رسیدند، آنان اغلب به اظهارهای مستقیمی همچون بت پرستی اعتنا نمی کردند. در نتیجه آن، آنان بسیاری از راه و روشهای بت پرستان را در پیش می گرفتند چنانچه گویی باید یهوه خدایشان را آنگونه می پرستیدند. بهرحال، در زمان عیسی آنان تمامی سنتهای مختلف بشری را چنانچه عیسی خود نیز گفت، افزودند و «حکم خدا را بی اثر ساختند». خواه با افزودن خواه با کاستن از آن، شریعت مذکور تغییر یافت و ملتها از عواقبی که در برداشت رنج بردند.

به چه طریق هایی می توانیم مواظب باشیم که به آنچه که خدا گفته چیزی اضافه یا از آن کم نکنیم؟

## بَعْل فغور

در تثنیه باب ۴ آیه ۳ و ۴ به فرزندان اسرائیل درس بیشتری از تاریخ داده می شود تا به عنوان یادآوری از گذشته و حقایق روحانی و عملی باشند که بطور مطلوب بایستی از آن درس می گرفتند.

اعداد باب ۲۵ آیات ۱-۱۵ را بخوانید. چه اتفاقی افتاد و قوم باید چه حقایق عملی و روحانی را از این شکست و ناکامی استنباط می کردند؟

هر چند که شنیدن اینکه اسرائیل برخی از قوم های بت پرست در اطراف خود را از صفحه روزگار محو نمود ناخوشایند باشد، این روایت یقیناً به ما کمک می کند تا منطقی را که در قفای فرمان وجود دارد بفهمیم.

قوم اسرائیل قرار بود تا برای بت پرستانی که در اطرافشان بودند، شاهدانی بر خدای حقیقی و یکتا باشند. آنها قرار بود تا الگوئی باشند تا به آنها نشان دهند که پرستش خدای راستین چگونه باید باشد. در عوض، با تمسک به «بت های» اطرافشان، صراحتاً در برابر خدای حقیقی که باید او را به جهان می نمایانند، شورش و عصیان ورزیدند.

اگرچه عبارت «ارتکاب زنا» در اینجا اغلب مفهوم روحانی در بر دارد، قوم اسرائیل از بت ها و اعمال بت پرستی متابعت کردند (به هوشع باب ۴ آیات ۱۲-۱۴ رجوع کنید)، در این مورد زبان (و باقی داستان) اینگونه مطرح می کند که در ابتدا، حداقل، گناه جنسی وجود داشته است. در اینجا شیطان از طبیعت انسان سقوط کرده بهره برده و از زنان بت پرست استفاده نمود تا مردان ضعیف النفس را اغوا کنند.

هیچ شکی نیست که عمل زنا جسمی به عمل زنا روحانی کشیده شد. مردم با «پیوستن به بت بعل فغور» در نهایت در دام اعمال بت پرستان گرفتار شدند؛ یعنی آنها به نحوی به این خدای دروغین وابسته شده و حتی برایش قربانی می کردند. با وجودی که همه چیز به آنان تعلیم داده شده و گفته شده بود ولی در اوج شهوت و هوس، همه را زیر پا گذاشتند.

این چطور اتفاق افتاد؟ به راحتی. با اولین گناه جسمی وجدانشان سخت شد، و در گناه دیگری افتادند که گناه روحانی بود، و این، هدف نهایی شیطان بود.

آنان تا بحدی به پستی گرائیدند که، بر اساس آیه، هنگامیکه مردم داشتند بیرون خیمه گریه و زاری می کردند یکی از مردان زن مدیانی اش را به درون اردوگاه پیش موسی آورد.

ذهن و جسم ما بطور نزدیکی به هم پیوند دارند. چو عضوی بدرد آورد روزگار، دگر عضوها را نماند قرار. از این داستان چه می آموزیم مبنی بر اینکه عشرت طلبی از لحاظ روحانی چقدر می تواند برای ما خطرناک باشد؟

## به خداوند خدای خود بچسبید (توکل کنید)

هزاران نفر به خاطر ارتکاب گناه با بعل فغور مردند. «تمامی آنانی که از بت بعل فغور پیروی کردند» هلاک گردیدند. با اینحال، بسیاری از آنان از ارتداد پیروی نکردند. آنان که بودند؟

«اما شما که به یهوه خدایتان چسبیدید، همگی تا به امروز زنده اید» (تثنیه باب ۴ آیه ۴). این آیه چگونه تفاوت بین آنانی که مرتکب گناه شدند و آنانی که مرتکب گناه نشدند را توضیح می‌دهد؟ مهمترین پیامی که در اینجا برایمان در مورد گناه و وسوسه و قدرت خدا در زندگی‌هایمان وجود دارد چیست؟

به تضاد کلمه «همگی» در آیه قبل و این آیه توجه کنید. «همگی» آنانی که پیرو بت بعل فغور شدند هلاک گردیدند؛ اما «همگی شما» که به خداوند چسبیدید زنده ماندید. گزینه سومی وجود نداشت و امروزه نیز وجود ندارد. یا با عیسی هستیم یا بر ضد او (متی باب ۱۲ آیه ۳۰). کلمه عبرانی «چسبید» اغلب به طور قاطعانه امر می‌کند تا به چیزی خارج از خودمان بچسبیم. همان ریشه کلمه عبرانی در پیدایش باب ۲ آیه ۲۴ نیز هست، وقتی یک مرد از خانواده خود جدا می‌شود به همسر خود «می‌چسبد» (به روت باب ۱ آیه ۱۴ رجوع کنید). این مطلب، در این آیه، بارها در تثنیه تکرار گردیده است (تثنیه باب ۱۰ آیه ۲۰، تثنیه باب ۱۱ آیه ۲۲، تثنیه باب ۱۳ آیه ۴، تثنیه باب ۳۰ آیه ۲۰)، و در هر مورد همان امر اتفاق می‌افتد: آنان، قوم خدا، می‌بایست به خدایشان می‌چسبیدند (وفادار می‌ماندند). یعنی آنان باید خودشان را به او می‌سپردند و از او قدرت و قوت می‌یافتند. مهمترین مسئله‌ای که باید به خاطر سپرد این است که فاعل جمله، خود قوم خدا هستند: آنان باید بچسبند. آنان باید تصمیم بگیرند که به خدا «بچسبند» و سپس با قدرت و قوت او، از افتادن در گناه پرهیز کنند.

یهودا آیه ۲۴ و اول قرن‌تین باب ۱۰ آیه ۱۳ را بخوانید. اینجا چه گفته می‌شود که در تثنیه باب ۱۳ آیه ۴ نیز می‌توان یافت؟

خدا وفادار هست؛ خدا قادر است تا نگذارد که بیفتیم. اما ما باید تصمیم آگاهانه بگیریم، همانطور که آنان به بت بعل فغور وفادار ماندند، ما باید به خدا بچسبیم. اگر اینگونه باشد می‌توانیم یقین حاصل کنیم که در هرگونه وسوسه و آزمایش وفادار خواهیم ماند.

چگونه دعا، مطالعه کتاب مقدس، پرستش و مشارکت به ما کمک می‌کند تا به خداوندمان متمسک شویم؟

## کدام قوم بزرگ است؟

آنچه که در چند آیه بعد از تثنیه باب ۴ آیه ۴ می آید برخی از مهمترین و عمیق ترین متون زیبای در کل کلام است. (در زبان عبرانی شیواتر است) شاید در پیام کتاب تثنیه در اینجا و تفسیر آن جای بحث وجود داشته باشد. وقتی این آیات را می خوانید به روش های متنوعی بیندیشید که این اصل در اینجا می تواند برای امروز ما نیز اعمال شود.

تثنیه باب ۴ آیات ۵-۹ را بخوانید. در اینجا خداوند از طریق موسی به اسرائیل چه می گوید؟

خداوند از قوم خود می خواهد که به این نکته پی ببرند که برای علت خاصی برگزیده شده اند. آنان ملتی «با عظمت» هستند، همانطور که خدا به ابرام از همان ابتدای فراخواندگی اش گفته بود که «از تو قومی بزرگ پدید خواهم آورد» (پیدایش باب ۱۲ آیه ۲؛ همچنین به پیدایش باب ۱۸ آیه ۱۸ رجوع کنید). اما هدف از اینکه آنان را قومی بزرگ بسازد این بود که «برکتی» (پیدایش باب ۱۲ آیه ۲) برای «همه طوایف زمین» باشند (پیدایش باب ۱۲ آیه ۳) و گرچه عیسی، مسیح موعود، از نسل آنان برکت نهایی می شد. «...تو را نوری برای ملتها خواهم ساخت تا نجات مرا به کرانه های زمین برسانی» (اشعیا باب ۴۹ آیه ۶). این نجات در آنان یافت نمی شد بلکه خدای حقیقی از طریق آنان می بایست آشکار می شد که تنها راه نجات بود.

قوم اسرائیل خدایی را می پرستیدند و خدمت می کردند که کهکشان ها را آفرید، خداوند آسمان و زمین؛ بت های سنگی، صخره ای، چوبی و دیوها را می پرستیدند (تثنیه باب ۳۲ آیه ۱۷، مزامیر باب ۱۰۶ آیه ۳۷).

چه تفاوت بارزی!

در این آیات موسی به دو نکته اشاره می کرد که قوم اسرائیل را در جایگاه ویژه ای قرار می داد. اول اینکه خداوند از طریق خیمه مقدس با آنان نزدیک بود؛ و دوم به خاطر « احکام و قوانین عادلانه ای» که به آنان داده بود. (تثنیه ۴: ۸).

تثنیه باب ۴ آیات ۳۲-۳۵ را بخوانید. چه چیز دیگری می بایست خداوند به آنان می گفت تا بدین نکته پی ببرند که چه فراخوانی خاصی به آنان داده شده است؟

تردیدی نیست که به قوم اسرائیل برکت وافر داده شده بود و حال آنان چگونه پاسخ می دادند؟

## حکمت و فهم آنان

همانطور که در تثبیه باب ۴ آیات ۱-۹ می بینیم، این آیات نه تنها بیان قدرتمندی از ویژگی خاص قوم است بلکه از فراخوانی آن برای خدمت نیز سخن می گوید. خلاصه آیات این است که آنها باید اطاعت و پیروی بکنند و فرمان خداوند را انجام دهند.

تثبیه باب ۴ آیه ۶ را بخوانید. خداوند با گفتن اینکه قوم های اطراف آنها را «با حکمت» و «با بصیرت» خواهند دید، چه منظوری داشت؟

در نگاه اول ممکن است به نظر برسد که قوانین و احکام خود حاوی حکمت و فهم هستند. اما منظور آیه این نیست. آری، خداوند به آنان احکام و داوری را تعلیم داده بود؛ اما فهم و حکمت آنان ازنگه داشتن و اطاعت از آن احکام حاصل می شد. اطاعتی که فهم و حکمت آنان بود.

قوم اسرائیل از عالی ترین نظام قانون، مقررات و اصول برخوردار بودند که تا به آن زمان دنیا ندیده بود (که در واقع از طریق آنان دیده بود)، اما چه نفعی در پی می داشت اگر قوم اسرائیل از آن پیروی نمی کردند؟ در عوض، در آن زمان، حکمت و فهم آنان تجلی احکام خدا در زندگی آنان بود. آنان می بایست با حقایقی که خداوند به آنان داده بود زندگی می کردند و چنین چیزی تنها با اطاعت از آنان میسر بود. نور و حقایق برای قوم اسرائیل یا بت پرستان اطرافشان نفعی در پی نمی داشت، اگر با حقیقت زندگی نمی کردند. بنابراین آنان مکررا به اطاعت کردن فراخوانده می شوند چراکه اطاعتشان از آن احکام و داوری و نه خود احکام و داوری بود که در شاهد بودن برای دنیا مهم بود. از این رو، آنها بارها و بارها به اطاعت فرا خوانده می شوند، زیرا به عبارتی، اطاعت آنها از شرایع و احکام، برای جهان از اهمیت برخوردار بود و نه خود شرایع و احکام.

«اطاعت نسبت به احکام خدا آنان را کامیاب نموده بود که اقوام جهان را شگفت زده کرده بود. آن قدوسی که توانست به آنان تدبیر و حکمت بخشد و همه کارهای ماهرانه را همچون معلم و مربی به آنها تعلیم دهد، به کار خود ادامه خواهد داد و آنان را به واسطه اطاعت از احکام او متعالی خواهد ساخت. چنانچه مطیع می بودند خداوند آنان را در مقابل بیماریهایی که اقوام دیگر را مبتلا کرده بود مصون داشته و با قوه عقل و خرد آنان را متبارک می ساخت. جلال خدا عظمت و قدرت خود را در همه موفقیتهایشان آشکار خواهد نمود. آنان در کهنانت و ولایت عهدی سلطنت خواهند نمود. خداوند هر وسیله ای را برای آنان فراهم کرده بود تا بزرگترین قوم جهان شوند» (دروس پندآموز مسیح، صفحه ۲۸۸).

متی باب ۵ آیات ۱۳-۱۶ را بخوانید. در این آیات، مسیح چه چیزی به ما می گوید که نشان دهنده همان چیزی است که او به اسرائیل کهن گفته بود؟ چگونه باید این امر مخصوصا برای ما ادونتیست های روز هفتم عملی شود؟

**تفکری فراتر:** «از همان ابتدای نبرد عظیم هدف شیطان سرنگونی احکام خدا بوده است. این امر با طغیان او بر ضد خالق قرار بود تحقق یابد و با وجود اینکه از آسمان سقوط کرد اما همان کارزار را بر زمین ادامه داد. او برای فریب بشریت، و متعاقب آن گناه نسبت به احکام و رسیدن به هدف ثابت قدم بوده است. اینکه این امر با سرنگونی احکام همراه باشد یا با رد یکی از مفاهیم آن، هرچه که باشد نتیجه نهایی همان خواهد بود. او که «یک جنبه» را مورد تخطی قرار می دهد، و در نقض کل احکام از هر خدعه ای فروگزار نخواهد کرد؛ تأثیر و نمونه بودن او در کنار گناه باعث می شود تا «تمام احکام نقض» شود. (یعقوب باب ۲ آیه ۱۰) (الن جی وایت، نبرد عظیم، صفحه ۵۸۲).

در باره موضوع بت بعل فغور الن جی وایت چنین نوشت: «آنان مخاطره نموده و پا به سرزمین خطرناکی گذاشتند و در دام شیطان گرفتار شدند. آنان که مفتون موسیقی و پایکوبی شده بودند، شیفته راهبان بت‌های کفار گشته، پیوندهای خود را از خدا گسستند. همین که به شادمانی و سرور ملحق شدند، شراب عقل از آن‌ها گرفت و سدهای خویشتنداری در هم شکست. شهوت و هوش بر آنان چیره گشت و شهوت پرستی ضمیر آنان را آلوده ساخته و آنان را مجاب نمود تا به بت‌ها سجده کنند. برای قربانگاه‌های کفار قربانی پیشکش کردند و در شنیع‌ترین مراسم آنان شرکت جستند» (الن جی وایت، مشایخ و انبیاء، صفحه ۴۵۴).

### سوالاتی برای بحث:

۱. فرض که ما ادونتیست‌های روز هفتم در همان موقعیتی که قوم اسرائیل قرار داشتند باشیم. به تمامی چیزهایی که به ما گفته شده، از قبیل دنیای اطرافمان و کلیساهای دیگر بیندیشید و مقایسه کنید. سوال برایمان این است: به چیزهایی که به ما گفته شده است چه واکنشی باید نشان دهیم؟ آیا به بهترین نحو «حکمت و شعور» خود را به جهان نشان می دهیم؟
۲. «اما شما که به خداوند، خدای خود چسبیده اید، امروز همه شما زنده هستید». بازهم موضوع «بچسبید» یا توکل کنید، مربوط به قوم خداست. خداوندی که هرگز به زور از ما چیزی نمی خواهد و به زور به ما نمی چسبد. در عوض، با استفاده از هدیه مقدس اختیاری که به ما داده شده، اینما هستیم که انتخاب می کنیم که به او توسل جوئیم. همینکه این تصمیم را گرفتیم، چگونه از این تصمیم پیروی کرده و به او متمسک می شویم؟
۳. بر مطالعه روز یکشنبه بیشتر تامل کنید. کم یا اضافه کردن به حکم خدا چه مفهومی دارد؟ خارج از موارد واضح، مانند اقدام به تغییر روز شنبه، چگونه ممکن است چنین اتفاقاتی چنان زیرکانه رخ دهد که ما حتی متوجه اتفاقات نباشیم؟